

آیا کسی از مفسرین اهل سنت مولی را به معنی اولی تفسیر کرده است؟

جواب:

نه تنها اهل لغت تصریح کرده اند که کلمه «مولی» به معنای «أولی» می آید؛ بلکه اکثر دانشمندان و بزرگان که در تشریح و تفسیر آیات کتاب مقدس ما مسلمانان قرآن کریم قلم فرسائی کرده و زحماتی ارزشمند متحمل شده اند نیز بر این مطلب تصریح کرده اند، که نام پانزده تن از آنان را مشاهده می کنید:

1. محمد بن اسماعیل بخاری (متوفای 256هـ)

وی در تفسیر سوره حدید می نویسد:

قال مُجَاهِدٌ... «مَوْلَاكُمْ» أَوْلَى بِكُمْ.^[1]

مجاهد گفته است: (مولاکم) به معنای (اولی) و برتر به شما است.

ابن حجر عسقلانی در شرح سخن بخاری می گوید:

قوله مولاکم أولی بکم قال الفراء فی قوله تعالی «مأواکم النار هی مولاکم» یعنی أولی بکم وکذا قال أبو عبیدة وفی بعض نسخ البخاری هو أولی بکم وکذا هو فی کلام أبي عبیدة.^[2]

فراء در توضیح آیه شریفه: (مواکم النار هی مولاکم) گفته است: مولی به معنای اولی و برتر به شما است، ابو عبیده نیز چنین گفته است و در بعضی از نسخه های بخاری به معنای «او اولی به شما است» آمده است، و همچنین است در سخن ابو عبیده.

عینی هم در عمدة القاری مولا را به معنای اولی تفسیر کرده و می نویسد:

مَوْلَاكُمْ أَوْلَى بِكُمْ. أشار به إلی قوله تعالی: «مأواکم النار هی مولاکم»^[3] أي: (أولی بکم) کذا قاله الفراء وأبو عبیدة وفی بعض النسخ: مولاکم هو أولی بکم، وکذا وقع فی کلام أبي عبیدة.^[4]

2. أبو عبد الرحمن سلمی (متوفای 412هـ):

وی که از مشاهیر قرن پنجم هجری به حساب می آید در تفسیر آیه «هی مولاکم» می نویسد:

«مأواکم النار هی مولاکم» أي أولی الأشياء بکم واقربها إلیکم.^[5]

جایگاه شما آتش است؛ یعنی سزاوار تر و نزدیکترین چیزها به شما است.

3. أبو القاسم القشیری (متوفای 465هـ):

أبو القاسم قشیری نیز در تفسیر آیه «هی مولاکم» مولا را به اولی معنی کرده است:

و «هی مولاکم» أي هی أَوْلَى بِكُمْ.^[6]

4. علی بن احمد واحدی (متوفای 468هـ):

واحدی، مفسر مشهور اهل سنت در این باره می نویسد:

مأواکم النار (منزلکم النار) هی مولاکم (أولی بکم)^[7]

جایگاه و منزل شما است، یعنی آتش سزاوار و اولی برای شما است.

5. محمد بن فتوح حمیدی (متوفای 488هـ):

حمیدی، محدث و مفسر سنی، صاحب کتاب الجمع بین الصحیحین در باره معنای کلمه مولی می گوید:
ومنه قوله «ذلك بأن الله مولی الذین آمنوا» أي ولیهم والقائم بأمرهم والمولی الأولی بك ودلیلہ قوله «مأواکم النار هی مولاکم» أي هی أولی بکم.^[8]
از مواردی که مولی به معنای اولی آمده این آیه است که فرمود: «ذلك بأن الله مولی الذین آمنوا»؛ یعنی سرپرست و مسؤول کارهای شما است، و مولی در این آیه به معنای اولی و سزاوار به تو است، دلیل بر این معنی سخن خداوند در این آیه است، جایگاه شما آتش است، آتش مولای شما است؛ یعنی اولی و برتر و شایسته برای شما است.

6. ابن عطیة اندلسی (متوفای 546هـ):

ابن عطیة اندلسی، مفسر و ادیب نامور سنی در تفسیرش می نویسد:
وقوله «هی مولاکم» قال المفسرون: معناه هی اولی بکم.^[9]
مفسران در باره (هی مولاکم) گفته اند: معنای آن این است که آتش برای شما اولی است.

7. بیضاوی (متوفای 685هـ):

عبد الله بن عمر بیضاوی در تفسیر آیه «هی مولاکم» آن را به اولی گرفته و می نویسد:
«هی مولاکم» هی اولی بکم کقول لبید: فغدت کلا الفرچین تحسب* انه مولی المخافة خلفها وأمامها.^[10]

8. أبو عبد الله قرطبی (متوفای 671هـ):

قرطبی، مفسر پرآوازه اهل سنت، از کسانی است که «مولی» را به معنای «اولی» گرفته و تصریح می کند که مولی به معنای کسی است که سرپرست و متولی مصالح انسان باشد، سپس در باره کسی که همراه چیزی باشد استعمال شده است:
(هی مولاکم) أي أولی بکم والمولی من يتولی مصالح الإنسان ثم استعمل فیمن کان ملازماً للشیء.^[11]

9. نسفی (متوفای 710هـ):

نسفی، مفسر مشهور اهل سنت و صاحب کتاب عقائد النسفیة که از کتاب های درسی حوزه های علمیه اهل سنت است، کلمه «مولی» را به اولی تفسیر کرده و می گوید:
«هی مولاکم» هی أولی بکم.^[12]

10. علاء الدین خازن (متوفای 725هـ):

وی در تفسیر آیه «هی مولاکم» می گوید:
«هی مولاکم» أي ولیکم وقیل هی أولی بکم.^[13]
این مولای شما است یعنی سرپرست، وگفته شده اولی و برتر به شما است.

11. سعد الدین تفتازانی (متوفای 791هـ):

تفتازانی ، ادیب ، مفسر و متکلم نام آور سنی از کسانی است که تصریح می کند آمدن «مولی» به معنای «اولی» در کلام عرب شایع بوده و بسیاری از بزرگان علم لغت به آن تصریح کرده اند :

ولفظ المولي قد يراد به المعتق والمعتق والحليف والجار وابن العم والناصر والأولي بالتصرف قال الله تعالى : «مأواكم النار هي مولاكم» أي أولي بكم . ذكره أبو عبيدة وقال النبي صلى الله عليه وسلم أيما امرأة نكحت نفسها بغير إذن مولاها أي الأولي بها والمالك لتدبير أمرها ومثله في الشعر كثير وبالجملة استعمال المولي بمعنى المتولي والمالك للأمر والأولي بالتصرف شائع في كلام العرب منقول عن كثير من أئمة اللغة .^[14]

12 . فیروز آبادی ، متوفای 817هـ) :

فیروز آبادی ، مفسر و لغوی معروف اهل سنت در تفسیر آیه «هی مولاکم» می نویسد :

«هی مولاکم» أولی بکم النار .^[15]

یعنی اولی و برتر به شما است .

13 . ابن عادل حنبلی (متوفای 880هـ) :

وی نیز در تفسیر آیه «هی مولاکم» می گوید :

وقوله : «هِيَ مَوْلَاكُمْ» يجوز أن يكون مصدراً أي : ولايتكم , أي : ذات ولايتكم .^[16]

جایز است که مولاکم مصدر و به معنای ولایت باشد .

14 . جلال الدین محمد بن احمد المحلی (متوفای 854هـ) :

جلال الدین المحلی ، در تفسیر جلالین که از نوشته های مشترک او و جلال الدین سیوطی است ، «مولاکم» را به معنای اولی

به شما معنی کرده است :

«مأواکم النار هی مولاکم» أولی بکم .^[17]

15 . محمد علی شوکانی (متوفای 1250هـ) :

«هی مولاکم» أي هي أولي بكم والمولي في الأصل من يتولى مصالح الإنسان ثم استعمل فيمن يلازمه .^[18]

(ترجمه آن قبلاً گذشت)

حتی خود آلوسی در موردی دیگر از کتابش تصریح می کند و می نویسد : کلبی ، زجاج ، فراء و أبو عبیده که چهارتن از

برترین دانشمندان علم لغت هستند ، «مولی» را به معنای «اولی» گرفته اند :

وقال الكلبی والزجاج والفراء وأبو عبیده : أي أولی بکم كما في قول لبيد يصف بقرة وحشية نفرت من صوت الصائد : فغدت

كلا الفرجين تحسب أنه مولي المخافة خلفها وأمامها أي فغدت كلا جانبها الخلف والإمام تحسب أنه أولی بأن يكون فيه الخوف

^[19]

در این جا بار دیگر اشکال آلوسی بر حدیث غدیر را نقل می کنیم تا مشخص شود که تعصب ، چگونه دانشمندان هم چون

آلوسی را به دوگانه گویی وادار کرده است :

ولا يخفي أن أول الغلط في هذا الاستدلال جعلهم المولي بمعنى الأولي وقد أنكر ذلك أهل العربية قاطبة بل قالوا : لم يجيء

مفعل بمعنى أفعال أصلا ولم يُجَوِّز ذلك إلا أبو زيد اللغوي ...^[20]

نتیجه :

با مراجعه به آثار علمی اعم از لغت و تفسیر و تاریخ و مشاهده آراء و انظار اندیشمندان عرب ، ادعای برخی از علمای عرب مانند آلوسی و دیگران کاملاً باطل می شود ، چرا که یکی از مشکلات اساسی پیروان مکتب خلفا در عدم پذیرش حدیث غدیر، تفسیر کلمه مولی به اولی است ، و شما مشاهده کردید که تفسیر کلمه «مولی» به معنای «اولی» نه تنها منعی ندارد ؛ بلکه افراد زیادی همین معنی را از آن در یافته و در مقام کاربرد هم هیچ ایرادی ندارد و دانشمندان بزرگ لغت و تفسیر اهل سنت از قرن دوم هجری تا کنون بر این مطلب تصریح کرده اند .

[1] . البخاری الجعفی ، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله (متوفای ۲۵۶هـ) ، صحیح البخاری ، ج ۴ ص ۱۳۵۸ ، تحقیق د. مصطفی دیب البغا ، ناشر : دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت ، الطبعة : الثالثة ، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ .

[2] . العسقلانی الشافعی ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل (متوفای ۸۵۲هـ) ، فتح الباری شرح صحیح البخاری ، ج ۸ ، ص ۶۲۸ ، تحقیق : محب الدین الخطیب ، ناشر : دار المعرفة - بیروت .

[3] . الحديد : ۵۱

[4] . العینی ، بدر الدین محمود بن أحمد (متوفای ۸۵۵هـ) ، عمدة القاری شرح صحیح البخاری ، ج ۱۹ ، ص ۶۲۸ ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت .

[5] . السلمي ، أبو عبد الرحمن محمد بن الحسين بن موسى الأزدي (متوفای ۴۱۲هـ) ، تفسیر السلمي وهو حقائق التفسیر ، ج ۲ ، ص ۳۰۹ ، تحقیق : سید عمران ، ناشر : دار الکتب العلمیة - لبنان/ بیروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۱م .

[6] . القشيري النيسابوري الشافعي ، أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك، تفسیر القشيري المسمي لطائف الإشارات ، ج ۳ ، ص ۳۸۰ ، ، تحقیق : عبد اللطيف حسن عبد الرحمن ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م .

[7] . الواحدی ، علی بن أحمد أبو الحسن (متوفای ۴۶۸هـ) ، الوجيز في تفسیر الكتاب العزيز ، ج ۲ ، ص ۱۰۶۸ ، اسم المؤلف : تحقیق : صفوان عدنان داوودي ، ناشر : دار القلم ، الدار الشامیة - دمشق ، بیروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۵هـ .

[8] . الحميدي الأزدي ، محمد بن أبي نصر فتوح بن عبد الله بن فتوح بن حميد بن بن يصل (متوفای ۴۸۸هـ) ، تفسیر غريب ما في الصحيحين البخاري ومسلم ، ج ۱ ، ص ۳۲۲ ، تحقیق : الدكتور : زبيدة محمد سعيد عبد العزيز ، ناشر : مكتبة السنة - القاهرة - مصر ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م .

[9] . الأندلسي ، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عطية ، المحرر الوجيز في تفسیر الكتاب العزيز ، ج ۵ ، ص ۲۶۳ ، تحقیق : عبد السلام عبد الشافي محمد ، ناشر : دار الکتب العلمیة - لبنان ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م .

[10] . البيضاوي ، ناصر الدين أبو الخير عبدالله بن عمر بن محمد (متوفای ۶۸۵هـ) ، أنوار التنزيل وأسرار التأويل (تفسیر البيضاوي) ، ج ۵ ، ص ۳۰۰ ، ناشر : دار الفكر - بیروت .

[11] . الأنصاري القرطبي ، أبو عبد الله محمد بن أحمد (متوفای ۶۷۱هـ) ، الجامع لأحكام القرآن ، ج ۱۷ ، ص ۲۴۸ ، ناشر : دار الشعب - القاهرة .

[12] . النسفي ، أبي البركات عبد الله ابن أحمد بن محمود (متوفای ۷۱۰هـ) ، تفسیر النسفي ، ج ۴ ، ص ۲۱۷ .

- [13] . البغدادي الشهير بالخازن ، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم (متوفاي ٧٢٥هـ) ، تفسير الخازن المسمي لباب التأويل في معاني التنزيل ، ج ٧ ، ص ٢١٧ ، اسم المؤلف: ناشر : دار الفكر - بيروت / لبنان - ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م .
- [14] . التفتازاني ، سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله (متوفاي ٧٩١هـ) ، شرح المقاصد في علم الكلام ، ج ٢ ، ص ٢٩٠ ، اسم المؤلف: ناشر : دار المعارف النعمانية - باكستان ، الطبعة : الأولى ، ١٤٠١هـ - ١٩٨١م .
- [15] . الفيروز آبادي (متوفاي ٨١٧هـ) ، تنوير المقباس من تفسير ابن عباس ، ج ١ ، ص ٤٥٧ - ٤٥٨ ، ناشر : دار الكتب العلمية - لبنان .
- [16] . ابن عادل الدمشقي الحنبلي ، أبو حفص عمر بن علي (متوفاي بعد ٨٨٠هـ) ، اللباب في علوم الكتاب ، ج ١٨ ، ص ٦٢٨ ، تحقيق : الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمد معوض ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م .
- [17] . محمد بن أحمد المحلي الشافعي + عبدالرحمن بن أبي بكر السيوطي (متوفاي ٩١١هـ) ، تفسير الجلالين ، ج ١ ، ص ٦٢٨ ، ناشر : دار الحديث ، الطبعة : الأولى ، القاهرة .
- [18] . الشوكاني ، محمد بن علي بن محمد (متوفاي ١٢٥٥هـ) ، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير ، ج ٥ ، ص ١٧١ ، ناشر : دار الفكر - بيروت .
- [19] . الألوسي البغدادي ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود (متوفاي ١٢٧٠هـ) ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، ج ٢٧ ، ص ١٧٨ ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .
- [20] . الألوسي البغدادي ، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود (متوفاي ١٢٧٠هـ) ، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، ج ٦ ، ص ١٩٥ ، ناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت .